

بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه

هادی نهادی^۱، جواد سیاهکالی مرادی^۲

۱. دکترای مدیریت دولتی، نویسنده مسئول (Hadi.Nahadi@Gmail.com)

۲. دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه تهران، پردیس فارابی

چکیده

در این پژوهش به تبیین و بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی اسلامی از منظر حضرت علی که حکمرانی شایسته نامیده شده است، پرداخته شد. از همین رو ابتدا با استفاده از ادبیات پژوهش به بررسی مفهوم حکمرانی خوب و شاخص‌های آن از منظر بانک جهانی پرداخته شد. سپس حکمرانی اسلامی و شاخص‌های آن نیز شناسایی شد. در نهایت مقایسه‌ای بین شباهت‌ها و تفاوت‌های شاخص‌های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته از منظر نهج البلاغه صورت گرفت و نمودار راداری عملکرد حکمرانی خوب و شایسته از در هر پنج شاخص ارائه شد. بر اساس نتایج به دست آمده، بیشترین افتراق بین دو نوع حکمرانی در پاسخگویی است. همچنین در مبارزه با فساد نیز بین دو نوع حکمرانی اختلاف عمده‌ای وجود دارد. اما در شفافیت و قانون‌گرایی اختلاف کمتری بین دو نوع حکمرانی وجود دارد. در نهایت نیز بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی به مسئولان کشور ارائه گردید.

لغات کلیدی: حکمرانی خوب، حکمرانی اسلامی، نهج البلاغه، شاخص‌های حکمرانی

مقدمه

حکمرانی روشی است که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود (بانک جهانی، ۲۰۱۸). بر اساس این تعریف، رویکرد حکمرانی توسط دولت‌ها، بیشتر متمرکز بر یک نگاه اقتصادی است زیرا حتی به پدیده جامعه نیز با لفظ «منابع اجتماعی» اشاره شده است که نشان دهنده حاکمیت روح اقتصادی بر مقوله حکمرانی است. بر همین اساس حکمرانی خوب نقشه‌راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم ترسیم کرده‌اند و حرکت روی این نقشه، تأمین‌کننده منافع کشورهای مسلط است. براین اساس، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن، که توسط نهادهای بین‌المللی تعریف و تبیین شده است، نمی‌تواند الگو و برنامه‌ای متعالی برای پیشرفت و توسعه جامعه بشری، به ویژه کشورهای در حال توسعه و همچنین کشورهای اسلامی، باشد. زیرا اولاً، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن مبتنی بر جهان‌بینی مادی است، و ثانیاً، حکمرانی خوب و شاخص‌های آن در مقاطع مختلف تاریخی، عامل بحران‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و نظامی در غرب و جهانی پیرامون بوده است (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۷).

بر خلاف نگرش‌های رایج در تاریخ حیات جامعه بشری که حاکمان مختلف، زمامداری و حکومت بر مردم را اغلب فرصتی برای اعمال قدرت خود و تسلط بر دیگران دیده‌اند و از آن لذت برده یا برای حفظ و تداوم آن مرتکب خشن‌ترین و غیر انسانی‌ترین رفتارها شده‌اند، در نگاه حضرت علی(ع) حکمرانی بر مردم اگر در جهت اقامه حق و عدل و دفع ظلم و ستم و بی‌عدالتی نباشد هیچ

ارزشی ندارد. کلام صریح ایشان در این مورد قابل توجه است: « وَاللَّهِ لَهِیْ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ إِمْرَتِکُمْ إِلَّا أَنْ أُقِیمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعَ بَاطِلًا » (به خدا سوگند این کفش پاره در نظر من از حکومت بر شما محبوبتر است، مگر اینکه بتوانم حقی را اقامه و باطلی را دفع کنم).

این نوع نگاه به حکمرانی و دولتمردی، تفاوت های ریشه ای با رویکرد حکمرانی خوب امپراتوری های اقتصادی جهان دارد. حکمرانی مدنظر حضرت علی (ع) که در این پژوهش از آن با عنوان حکمرانی شایسته نام برده شده است، انسانیت و وجدان در حکمرانی را در خود نهفته دارد. آنچه حلقه مفقوده انواع حکمرانی در دنیای متلاطم امروز است. در این پژوهش به شناسایی و ساختاردهی شاخص های حکمرانی شایسته از منظر امام علی (ع) پرداخته شده است.

به همین منظور ابتدا به بررسی مفاهیم و نظریه های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته و شاخص های هر یک پرداخته شده و پس از آن با استفاده از مدل ساختاردهی مدلسازی ساختاری تفسیری به ساختاردهی روابط بین شاخص های شناسایی شده پرداخته شده است.

حکمرانی خوب

موضوع حکمرانی خوب در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. از سال های ۱۹۹۰ به بعد حکمرانی خوب، به مثابه ابزاری برای توسعه پایدار و فقرزدایی، رواج گسترده ای یافت، و به طور کامل وارد سیاست های سازمان های توسعه گرا (به ویژه IMF و OECD) و حکومت های غربی گردید (Weiss, 2000; Patomaki, 1999; Leftwich, Woods, 2000; 1993). در جهان متحول امروز، نقش دولت نیز متحول و مسئولیت آن متفاوت خواهد بود، دولت ها به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنان بایستی با افزایش قابلیت های خود از طریق بازدمیدن نیروی تازه در نهادهای عمومی توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوهای جدیدی است که به توان از همه ظرفیت های جامعه در بخش های دولتی، خصوصی و مدنی استفاده نمود، تا تولید و ارایه خدمات عمومی را حداکثر ساخت. الگوی حکمرانی خوب می تواند نظریه ای نوین در پاسخگویی به انتظارات و مسئولیت های جدید باشد. الگویی که می تواند راه برون رفت از وضعیت فعلی و روشی برای ارائه خدمات عمومی بهتر باشد. به طور کلی می توان گفت حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و ...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. در سطح اجرایی و به منظور پیاده سازی و توسعه شاخ های حکمرانی خوب، نیاز به سطح بندی شاخص ها وجود دارد زیرا مشخصا همه شاخص ها به یک اندازه نمی توانند موجب توسعه حکمرانی خوب شوند و بهبود تاثیرگذارترین شاخص ها می تواند به صورت دومینویی، سایر شاخص ها را نیز بهبود ببخشد (آهنی و همکاران، ۱۳۹۸).

بانک جهانی^۱ به عنوان یکی از نهادهای بین المللی معتبر برای اولین بار در گزارشی که در سال ۱۹۸۹ منتشر کرده، حکمرانی خوب را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرده است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ حکمرانی خوب را توانایی کار با محیط های مختلف برای دستیابی به تعادل در سطوح مختلف محلی، ملی و بین المللی می-داند (OECD, 2002). در برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب شامل مکانیزم ها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را محقق و تعهدات خود را برآورده می سازند (UNDP, 2000). شاخص های کلیدی

1. World Bank

2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

حکمرانی خوب از منظر برنامه توسعه سازمان ملل^۱، عبارتند از؛ حاکمیت قانون^۲، شفافیت^۳، مسئولیت پذیری^۴، اجماع مداری^۵، عدالت^۶، اثربخشی و کارایی^۷، پاسخگویی^۸، دیدگاه استراتژیک^۹ و مشارکت^{۱۰}، می باشد (UNDP, 1997). بانک جهانی^۱ (2015) شاخص-های حکمرانی خوب را مبتنی بر شش اصل، تعریف کرده است، که بدین شرح می باشد: کنترل فساد^۲؛ اثربخشی دولت^۳؛ ثبات سیاسی (فقدان خشونت)^۴؛ کیفیت قوانین و مقررات^۵؛ حاکمیت قانون^۶؛ حق اظهار نظر و پاسخگویی^۷؛ (Kaufmann & Kraay, 2017). کافمن، کری و مستروزی^{۱۱} معتقدند حکمرانی خوب دارای ابعادی از قبیل پاسخگویی و حق اظهار نظر برای شهروندان، قانون مداری، حاکمیت قانون، اثربخشی و کارایی دولت، ثبات سیاسی، مساوات طلبی، شفافیت و مسئول بودن است (Kaufman, Kraay & Mastruzzi, 2010).

شاخص های حکمرانی خوب

هاتر و شاه^{۱۲} برای حکمرانی خوب، گروهی دیگر از شاخص ها را مد نظر قرار دادند که عبارتند از؛ مشارکت شهروندان^{۱۳}، دولت محوری^{۱۴}، توسعه اجتماعی^{۱۵} و مدیریت اقتصادی^{۱۶} را معرفی نموده است. در جدول ذیل ذکر شده است (Huther & Shah, 2000).

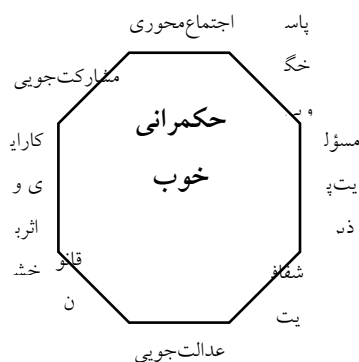
جدول ۱. شاخص های حکمرانی خوب

نام شاخص	شاخص های جزء (کارکردها)
۱. مشارکت شهروندان (CP)	آزادی سیاسی پایداری سیاسی
۲. دولت محوری (GO)	کارایی قضایی کارایی اداری فساد پایین
۳. توسعه اجتماعی (SD)	توسعه انسانی توزیع عادلانه

-
1. United Nations Development Programme (UNDP)
 2. Rule of Law
 3. Transparency
 4. Responsiveness
 5. Consensus Orientation
 6. Fairness
 7. Effectiveness and Efficiency
 8. Accountability
 9. Strategic Vision
 10. Participation
 11. Daniel Kaufmann, Aart Kraay & Massimo Mastruzzi
 12. Huther & Shah
 13. Citizen participation
 14. Governance orientation
 15. Social Development
 16. Economic Management

توجه به بیرون استقلال بانک مرکزی میزان بدهی نسبت به GDP	۴. مدیریت اقتصادی (EM)
---	------------------------

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه^۱ هشت شاخص برای حکمرانی خوب معرفی کرده است، که عبارتند از: پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت پذیری و شفافیت. نمودار ذیل به شاخص‌هایی اشاره دارد که در صورت دستیابی به آن حکمرانی خوب در جامعه محقق می‌شود (UN ESCAP^۲، ۲۰۰۹).



(۲۰۰۹).

شکل ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب (بانک جهانی، ۲۰۱۸)

شاخص‌های حکمرانی مورد بررسی در این پژوهش مبتنی بر شش اصل حکمرانی خوب از دیدگاه بانک جهانی (۲۰۱۷) است، که در ادامه شرح داده شده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸):

۱- کنترل فساد؛ گوناوار میردال^۳ معتقد است فساد به تمام شکل‌های گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی قابل اطلاق است. گرچه اندیشمندان در زمینه جنبه‌های مختلف فساد و آثار آن‌ها توافق چندانی ندارند، لیکن همه آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که فساد ناشی از حکمرانی ضعیف است. بانک جهانی فساد را به عنوان سوء استفاده از اختیارات عمومی، برای منافع شخصی یا گروهی، تعریف کرده است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۲- اثربخشی دولت؛ منظور از اثربخشی دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح و لازمه آن برخورداری از یک دستگاه اداری کارآمد است. یک دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت لازم برای اداره امور کشور برخوردار باشد تا از پس مشکلات هماهنگی در راه اندازی فعالیت‌های جدید برآیند (شاگری و دیگران، ۱۳۹۴). کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان اعتبار تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

1. United Nations Economic and Social Commission for Asia
2. Economic and Social Commission for Asia and the Pacific
3. Gunnar Myrdal

۳- ثبات سیاسی (فقدان خشونت)؛ مفهوم ثبات سیاسی معانی متفاوتی را شامل می‌شود که محققان مختلف تلاش کرده‌اند برای اندازه‌گیری درجه یا میزان «ثبات سیاسی» موجود، آن‌ها را در دنیای خاص خودشان بسنجند (Hurwitz, 1973: 449). مثلاً ثبات سیاسی از نظر آکه^۱ به معنای منظم بودن جریان تعاملات سیاسی است (Ake, 1974). هانتینگتون^۲ ثبات را در نهادمندی سیاسی می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۷۵). سریع القلم هم ثبات را مساوی با «قاعده‌مندی» می‌داند (سریع‌القلم، ۱۳۷۸). ایان لاستیک^۳، ثبات سیاسی را به معنای قابل پیش‌بینی بودن رفتار سیاسی در آینده می‌داند (Lustick, 1979) و از نظر مارتین نیدلر^۴ کشور باثبات، کشوری است که در آن حکومت از طریق انتخابات آزاد برگزیده شده باشد و بر اساس قانون حکومت کند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۴- کیفیت قوانین و مقررات؛ کیفیت قوانین و مقررات به میزان توانایی دولت در تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و تنظیم آن‌ها در جهت حصول و بهبود توسعه بخش‌های خصوصی می‌گویند. شاخص کیفیت قوانین و مقررات، بیانگر میزان مداخله دولت در اقتصاد، سیاست تجاری و محدودیت‌های سرمایه می‌باشد. به گفته رینولدز^۵: مهم‌ترین متغیر توصیفی منحصر به فرد در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها سازمان سیاسی و تبحر مدیریتی دولت‌هاست. وظیفه‌ی اساسی دولت‌ها فراهم آوردن قانون، نظم و محافظت از حقوق مالکیت است. دولت‌ها در کشورهای در حال توسعه حوزه وسیع‌تری را به لحاظ ماهیت سازمان سیاسی و ایدئولوژی و به تبع آن ترتیبات نهادی دارا هستند (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۵- حاکمیت قانون؛ حاکمیت حقوق یا قانون وقتی به وجود می‌آید که قدرت موجود و مشروع جامعه، اجرا و اعمال آن را چنان که هست تضمین کند، به عبارت دیگر اجرای قانون لزوماً می‌بایست مستقل از اراده‌ی مقنن و مجری آن باشد و حتی مقنن نیز تحت نفوذ اجرای قانون تدوین شده از جانب خود قرار می‌گیرد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

هر نظام سیاسی و حقوقی در زمینه اوصاف حاکمیت قانون در مقام پاسخگویی و ارزیابی قرار گرفته است. بی‌شک اصل حاکمیت قانون، سنگ زیرین روابط بین دولت و ملت به شمار می‌آید. به گونه‌ای که این اصل، الهام بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل قانون اساسی‌گرایی^۶، قانونیت^۷، صلاحیت^۸، مسئولیت^۹، پاسخگویی^{۱۰}، کنترل قضایی^{۱۱} و تفکیک قوا^{۱۲} و دیگر اصول و مفاهیم مرتبط است (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

۶- حق اظهار نظر^{۱۳} و پاسخگویی؛ هر دولتی نیازمند یک سیستم پاسخگویی است زیرا لازمه دموکراسی، داشتن یک سیستم پاسخگویی می‌باشد پاسخگویی مبنای هر جامعه‌ای است که ادعا می‌کند، دموکراتیک است. امروزه دستگاه‌های دولتی با نوعی تعارض

-
1. Ake
 2. Samuel P. Huntington
 3. Ian Lustick
 4. Martin Needler
 5. Reynolds
 6. Constitutionalism
 7. Legality
 8. Jurisdiction
 9. Responsibility
 10. Accountability
 11. Judicial Review
 12. Separation of Powers
 13. Voice

و دوگانگی مواجه‌اند: از یکسو، در مقابل مردمان و سازمان‌های ملی خود احساس مسئولیت می‌کنند و باید در برابر نیازهای آنان پاسخگو باشند و از سوی دیگر، الزامات بین‌المللی و نیروهای جهانی آنان را وادار به اعمال روش‌ها و شیوه‌هایی می‌کند که در عمل مغایر خواست و انتظارات شهروندان آن‌هاست (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۸).

حکمرانی شایسته

دولت در هر نظام اقتصادی نقش و وظیفه خاصی دارد. در نظام سرمایه‌داری این نقش به حداقل رسیده، در حالی که در نظام سوسیالیسم، دولت، مدیریت سیاست‌های کلی اقتصادی و اجتماعی را به عهده داشته و حداکثر دخالت در اقتصاد را دارد. در اسلام، دولت نقش سازنده و برجسته‌ای دارد. نقش دولت، پدید آوردن وضعیتی است که مردم بتوانند مطابق هدف‌های عالیه اسلام زندگی کنند. تاریخ نشان می‌دهد که مداخله دولت در اقتصاد، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم (ص) مطرح بوده و در عصر خلفاء نیز بدون هیچ تردیدی ادامه داشته است. مهمترین وظایف اقتصادی دولت اسلامی در صدر اسلام عبارت بودند از: تجهیز و تخصیص منابع مالی، اجرای عدالت اقتصادی، برقراری ثبات در بازار، عمران و آبادانی، حفظ امنیت اجتماعی و اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر در ابعاد اقتصادی، برنامه‌ریزی برای حرکت به سمت اشتغال کامل، تأمین اقتصادی، توازن اقتصادی، حفظ استقلال اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی (مبارک و آذریپوند، ۱۳۸۹). زمانی دولت در زمینه اقتصادی کارا خواهد بود که بتوان به هدف دولت‌ها در مداخله اقتصادی پی برد. دولت‌ها با هدف برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی در روابط اقتصادی دخالت می‌کنند. برای دستیابی به عدالت اقتصادی در صدر اسلام چند راهکار استفاده شد:

أ. فراهم ساختن فرصت‌های برابر برای همه مردم در تولید و تجارت؛

ب. جلوگیری در گرد آمدن ثروت‌های حرام؛

ج. گرفتن مالیات از ثروتمندان و پرداخت آن به بینوایان (مبارک و آذریپوند، ۱۳۸۹).

کیفیت ساختار حکمرانی در زمان رسول الله نشان از جامعیت و اثربخش بودن آن دارد. همچنین در ادامه به بررسی شاخص‌های حکمرانی شایسته مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه پرداخته شده است.

شاخص‌های حکمرانی شایسته

برای حکومت شایسته حضرت علی علیه السلام شاخص‌های بسیاری ذکر شده است که اگر این شاخص‌ها در هر حکومتی باشد، آن حکومت از نظر محتوای شایسته است و در اصطلاح، به آن حکمرانی شایسته گفته می‌شود. اما اگر این شاخص نباشد آن حکومت غیرمطلوب و غیرشایسته خواهد بود. بنابراین، منظور از حکمرانی شایسته آن نوع حکمرانی است که این محتوا و مشخصه‌ها را داشته باشد که به طور طبیعی متفاوت از شاخص‌های حکمرانی خوب از نظر محتوا خواهد بود. درواقع، وجه فارق میان حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته، این شاخص‌هاست. این دو نوع حکمرانی با این نوع شاخص‌ها، که تفاوت‌های محتوایی - نه لفظی - دارند، تمایز پیدا می‌کنند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

الف. پاسخ‌گویی

یکی از شاخص ها پاسخ گویی است. حکمرانی شایسته پاسخ گویی را همانند حکمرانی خوب منحصر به پاسخ گویی اجتماعی نمی داند، بلکه پاسخ گویی را به عنوان یک تکلیف پیش از هر چیز، در برابر خواسته های خداوند - تبارک و تعالی - می داند؛ زیرا در حکمرانی شایسته، باید همه حرف ها، عمل ها، برنامه ها، موضع گیری ها، جنگ ها، صلح ها، رابطه ها و قطع رابطه ها، بر مبنای رهنمود مکتب و الهام گرفته از دین باشد (نهج البلاغه، خ ۱۲۶). حکومت علوی به عنوان یکی از مصادق بارز حکمرانی شایسته، این گونه بود. امام خمینی ره در این باره می فرماید:

حضرت امیر تابع اسلام است. اسلام بگوید با مسلمین جنگ کن، جنگ می کند؛ بگوید با کفار جنگ کن، جنگ می کند. وقتی بنا باشد یک طایفه ای از مسلمین، اینها توطئه کردند برای اینکه اسلامی که می خواهد متولد بشود این را از بین ببرند و یک دسته دیگر را هم اغفال کردند دنبال این معنا، تکلیف حضرت امیر علیه السلام است که شمشیر را بکشد و در سه جنگ با مسلمین، کسانی که اظهار اسلام می کردند و فریاد اسلام می کشیدند و همه شان هم از صدام مسلمان تر بودند، شمشیر بکشد و در سه جنگ، با مسلمانان جنگ بکند، برای اطاعت امر خدا و برای حفظ اساس اسلام (موسوی خمینی، صحیفه، ج ۱۹، ص ۱۳۶).

در جای دیگر می فرماید:

آنهايي که حضرت امير را - به خيال خودشان - نصيحت می کردند که شما یک مدتی معاویه را بگذارید در حکومت شما باشد و بعد که پایه حکومت شما قوی شد، آن وقت او را رد می کنید، به هیچ یک از آن حرف ها اعتنا نکردند، و حجتشان هم این بود که یک نفر آدمی که بر خلاف موازین الهی رفتار می کند و ظلم را در بلاد راه می اندازد، من حتی یک آن هم نمی توانم که او را حاکمش قرار دهم، بلکه اگر حاکمش قرار می دادند، این حجت می شد بر اینکه می شود یک فاسقی هم از طرف ولی امر حاکم باشد (همان، ج ۳، ص ۱۹۸).

بنابراین، از نظر ایشان، پاسخ گویی ابتدا در برابر خداوند و دین الهی و سپس در برابر جامعه و افراد آن مطرح است. پاسخ گویی به این معنا، حکمرانی شایسته را از حکمرانی خوب متمایز می کند؛ زیرا حکمرانی خوب با توجه به مبانی اومانیستی که دارد، پاسخ گویی را تنها در قبال جامعه و افراد آن ضروری می داند، اگرچه این پاسخ ها با مبانی ارزشی دینی سازگاری نداشته باشند (حسینی تاش و وثاق، ۱۳۹۳).

نکته بسیار مهم دیگر در سیره حکومتی امام علی علیه السلام این است که امام وظیفه پاسخ گویی را یک وظیفه عمومی می داند که شامل تمامی مدیران در تمامی سطوح و حتی شامل مقام امام معصوم نیز می شود؛ یعنی حتی خود را نیز به عنوان رأس هرم قدرت در حکومت اسلامی، مسئول و پاسخ گو می شمارد. علت پاسخ گویی در حکومت علوی، نامه امام به عبدالله بن عباس، کارگزار امام در بصره، است که می فرماید: ابوالعباس! خدایت پیامرزد. در آنچه بر زبان و دست تو جاری می گردد، خوب باشد یا بد، کار را به مدارا کن، که من و تو در مسئولیت کاری که انجام می دهی شریکیم (نهج البلاغه، ن ۱۸).

شهید مطهری درباره پاسخ گویی اجتماعی می فرماید: در منطق این کتاب شریف (نهج البلاغه)، امام و حکمران امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول (پاسخگو) در برابر آنهاست (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۲۸).

ب. قانون مداری

یکی از شاخص های حکومت علوی قانون مداری یا حاکمیت قانون است. منظور از قانون مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه ها و بر همه افراد است (نهج البلاغه، خ ۹۲)؛ زیرا اگر قانون حاکم باشد هیچ صاحب حقی از تباه شدن حقش نخواهد ترسید، و هیچ زورمندی در سایه زر و زور خویش نخواهد توانست از چنگ قانون بگریزد. احساس امنیت در جامعه، از نشانه های حاکمیت قانون است. حضرت امیر علیه السلام در برابر اصرار آنان که از او می خواستند خلافت را بپذیرد، بر این مسئله تأکید می کردند که حکومت او حکومت قانون است و به هیچ توصیه ای، درخواستی، افزون خواهی و امتیازطلبی گوش نخواهند داد و آنچه را قانون خداست عمل خواهند کرد، هر چند برخی را خوشش نیاید و رنجیده شوند (محدثی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۰).

امام خمینی ره نیز درباره این شاخص می فرماید: زمان امیرالمؤمنین هم قانون حکم می کرد، امیرالمؤمنین مجری بود. همه جا باید این طور باشد که قانون حکم کند؛ یعنی خدا حکم بکند، حکم خدا (موسوی خمینی، صحیفه، ج ۱۱، ص ۱۷۱). ایشان همچنین می فرماید: در اسلام، آن چیزی که حکومت می کند یک چیز است و آن قانون الهی است، پیغمبر اکرم صل الله علیه و آله هم به آن عمل می کرده است، خلفای او هم به همان عمل می کردند. حالا ما موظفیم که به همان عمل کنیم؛ قانون حکومت کند. شخص هیچ حکومتی ندارد؛ آن شخص ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد. شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام، قانون است؛ همه تابع قانونند. (همان، ج ۱۰، ص ۲۹)

در جای دیگر می فرماید:

حکومت رسول الله و حکومت امیر المؤمنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون، واجب الاطاعه هستند. پس حکم از آن قانون خداست، و قانون خدا حکومت می کند (همان، ج ۷، ص ۲۰۱).

تفاوت اساسی حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب در مبانی قانون گذاری است که امام علی علیه السلام قانون و قانون گذاری را منحصر به خداوند یا کسانی می داند که از طرف خداوند باشند (پیامبران و امامان علیهم السلام و ولی فقیه)، و حکم رانان را تنها مجری آنها می شمارند. از این رو، امام می فرماید: بی گمان، امام را مسئولیتی جز آنچه پروردگار بر دوشش نهاده نیست: ابلاغ و بیان پند، تلاش در ارائه رهنمودها، زنده کردن و زنده داشتن سنت، اجرای حدود الهی بر کسانی که سزاوارش باشند، و دادن سهم های بیت المال به کسانی که اهل آن هستند (نهج البلاغه، خ ۱۰۵).

اما حکمرانی خوب قانون و قانون گذاری را منحصر به مردم یا نمایندگان آنها، بدون توجه به خدا و اولیای خدا می داند. این نوع قانون که در حکمرانی خوب مشروعیت دارد، در حکمرانی شایسته مشروع نیست و نمی توان افراد جامعه را ملزم به اطاعت از آن نمود؛ زیرا در این زمینه، همیشه این سؤال وجود خواهد داشت که چرا ما به قوانینی که دیگران تدوین نموده اند گردن نهیم؟ ولی این سؤال درباره قوانینی که منشأ الهی دارند، مطرح نیست؛ زیرا خداوندی که انسان را آفرید و او را تربیت و مدیریت می کند، این حق را نیز دارد که برای رفاه حال او در دنیا، و سعادت او در آخرت، قوانینی متناسب حال او وضع کرده، آن را توسط افراد معین اجرا نماید (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

ج. شفافیت

یکی از شاخص های حکومت علوی، شفافیت است. منظور از شفافیت این است که اطلاعات لازم به آگاهی مردم رسانده شود و آنان در جریان انجام کارها قرار بگیرند. با توجه به این شاخص، برخی محققان می گویند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳):

سیاست امام علی علیه السلام اعلام برنامه ها و علنی ساختن تصمیماتش بود. هر تصمیمی که گرفته می شد به مردم اطلاع می داد، به طوریکه اگر شخصی وارد جامعه اسلامی می شد، می توانست در اندک مدتی شیوه حکومتی امام را درک کند، و با برقرار ساختن ارتباط میان اجزا و چارچوب های آن، به شکلی منطقی از حکومت دست یابد و مهم تر از آن، به تطبیق میان واقعیت ها و آنچه به صورت تئوری و نظریه در مورد حکومت از سوی منابع دینی ارائه شده است، پردازد (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

امام علی علیه السلام با توجه به این شاخص، می فرمایند:

بدانید، حقی که شما بر عهده من دارید این است که چیزی را از شما مخفی ندارم، جز اسرار جنگ را، و کاری را بی مشورت شما نکنم، جز اجرای حکم خدا. حقی را که از آن شماست از موعد خود به تأخیر نیفکنم، و تا به انجامش نرسانم از پای ننشیم، و حق شما را به تساوی دهم (نهج البلاغه، خ ۵۰).

همان گونه که ملاحظه می شود، خدا محوری در تعریف و تبیین شاخص شفافیت نیز نقش دارد؛ یعنی در تبیین شفافیت امور حکومتی نیز اراده خداوند نقش اساسی دارد. آنچه را خداوند دستور دهد که به صورت شفاف ابلاغ شود، حکم رانان در حکمرانی شایسته و وظیفه دارند ابلاغ کنند، و اگر ابلاغ نکنند سرزنش می شوند. از این رو، خداوند به پیغمبر صل الله علیه و آله دستور می دهد که حکمرانی حضرت علی علیه السلام را به مردم ابلاغ کن، و اگر ابلاغ نکنی رسالت را به اتمام نرسانده ای (مائده: ۶۷). شواهد تاریخی نشان می دهد که رسول خدا صل الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در امر حکومت، در روز هجدهم ذی حجه در منطقه غدیر خم به صورت شفاف اعلام نمودند.

اما در حکمرانی خوب بدون توجه به دستورات الهی، حکم رانان وظیفه دارند جریان امور به اطلاع مردم برسانند، چه مرضی خداوند باشد یا نباشد، چه به مصلحت مردم باشد یا نباشد. در حکمرانی شایسته مصالح عمومی شرط اساسی در اجرای شاخص شفافیت است؛ مثلاً، در امور نظامی، به دلیل مسائل امنیتی، لزومی ندارد که تمام آنچه در اداره جامعه نقش دارد به مردم گفته شود (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳).

د. کارایی و اثربخشی

یکی از مشخصه های حکمرانی شایسته، کارایی و اثربخشی است. حضرت علی علیه السلام برای کارایی و اثربخشی حکمرانی شایسته سه معیار ذیل را ذکر نموده اند (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳):

اول. امام به مالک/شتر دستور می دهند که مالیات را از مردم جمع آوری نموده، از آن برای آباد سازی شهرها استفاده کند (نهج الباعه، ص ۱۸)؛

دوم. مالیات وقتی از مردم گرفته می شود که توسعه و آبادانی کشور امکان مالیات گیری را فراهم ساخته باشد (همان، ن ۵۳). هر حکومتی که از مردم در شرایطی مطالبه مالیات کند که از رونق و آبادانی در جامعه خبری نیست، با این کار خود، شهرها را ویران و مردم را نابود خواهد کرد و حکومتش چندان دوام نخواهد آورد (همان).

سوم. از تمامی منابع به صورت عام و از منابع مالیاتی به صورت خاص استفاده بهینه نموده، از اسراف و زیاده روی پرهیز کند. امام علی علیه السلام می فرمایند: (در مکاتبات اداری که با یکدیگر دارید) نوک قلم هایتان را تیز کنید و فاصله سطرها را کم نمایید! از زیاده روی و اسراف (حتی در اموری اینچنین) پرهیزید تا مخارج اضافی بر بیت المال تحمیل نشود (نهج البلاغه، ص ۲۰).

۵. مبارزه با فساد

یکی از شاخص های حکمرانی شایسته، مبارزه با فساد است. فساد یعنی: سوء استفاده از قدرت یا اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی. امام علی علیه السلام همیشه با این شیوه عمل کارگزاران، که از موقعیت حکومتی خود سوء استفاده می نمودند، مبارزه کرده، می فرمودند: نباید در آنچه متعلق به عموم مردم است، برای خود حق ویژه ای قایل باشی (همان، ص ۲۱). یا خطاب به والی بصره می فرمایند: به خدا قسم، اگر بفهمم در اموال مسلمانان خیانت کرده ای چه کم و چه زیاد، آنچنان بر تو سخت خواهم گرفت که اندک مال و تنگ دست شوی و خوار و پریشان حال گردی (همان، ص ۲۱). ایشان با توجه به این شاخص به عقیل، برادرشان که بارها برای کمک نزد ایشان رفت، مساعدت لازم را نکردند. اشراف کوفه هم به علت آنکه امام میان آنان و عامه مردم در پرداخت بیت المال تمایزی قایل نشدند، از حضرت کناره گیری کردند و به معاویه روی آوردند. تمامی اقدامات امام علی علیه السلام در جهت مبارزه با فساد در حکومت علوی به شمار می آید (آرایی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). امام علی علیه السلام آنچه را خلیفه سوم تیول بعضی کرده بود، به مسلمانان بازگردانیدند و فرمودند: به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را بازمی گردانم، که در عدالت گشایش است، و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت تر می یابد (نهج البلاغه، ص ۴۸).

امام علی علیه السلام یکی از مهم ترین راه کارها برای مبارزه با فساد اداری را افزایش حقوق و دست مزد دانسته، می فرمایند: به کارمندان خود برس و رزق و روزی آنان را فراوان کن؛ چرا که آنان با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بهتر خواهند کوشید و از دستبرد به اموالی که در اختیارشان است، خود داری خواهند نمود. در این صورت است که اگر از دستور تو سرپیچی نموده، در امانت خیانت کنند، تو پیشاپیش حجت را بر آنها تمام کرده ای (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

جدول ۲. مقایسه حکمرانی شایسته و حکمرانی خوب

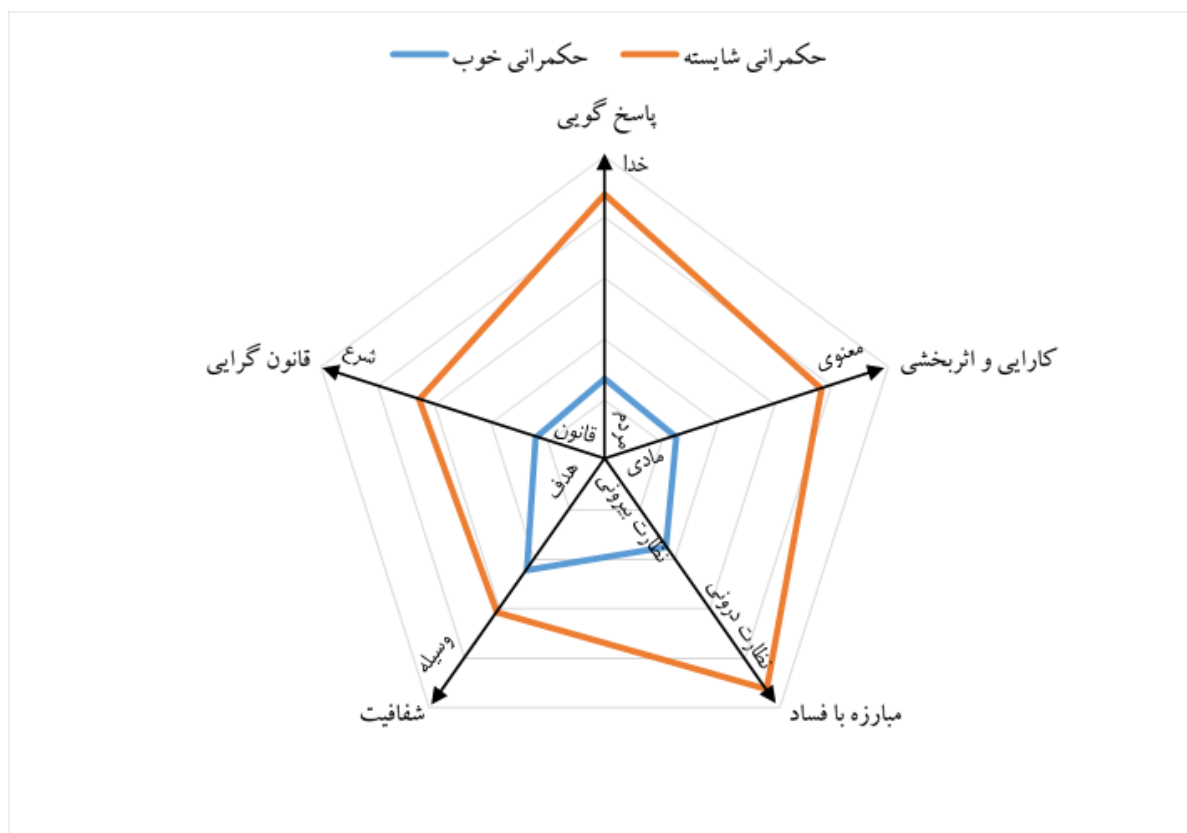
ردیف	شاخص	حکمرانی خوب	حکمرانی شایسته	شباهت	تفاوت
۱	پاسخ گویی	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و مجموعاً در برابر شهروندان	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر و خداوند (سبحانی، ۱۳۸۲)	هر دو ساختار خود را پاسخگو می دانند و معتقد هستند که اصالت حاکمیت مربوط به دولت نیست بلکه متعلق به یک نهاد دیگر	در حکمرانی خوب، دولت به مردم باید پاسخگو باشد زیرا اصالت وجودی دولت برگرفته از وجود شهروندان و برای انجام وظایف آنان است ولی در حکمرانی شایسته، دولت باید در برابر خداوند پاسخگو باشد.

				است.	
۲	قانون گرایی	پابندی به قوانین مصوب قوه مقننه	پابندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که مبتنی بر قوانین الهی است (مصباح، ۱۳۸۲)	هر دو ساختار حکمرانی از سلسله ای از قوانین و مقررات تبعیت می کنند.	در حکمرانی خوب، دولت موظف به تبعیت از قوانینی است که توسط نهادهای دیگر مانند قوه مقننه یا خود دولت تصویب شده اند می باشد اما در حکمرانی شایسته، دولت موظف به تبعیت از قوانینی است که برگرفته از شرع و قانون الهی است.
۳	شفافیت	آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابلیت دسترسی برای همه	آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راست گویی و صداقت بوده، و تضمین کننده رشد و کمال انسان باشد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷)	شفافیت و آزادی جریان اطلاعات در هر دو نوع حاکمیت پسندیده است.	در ساختار حکمرانی خوب، دسترسی آزاد شهروندان به جریان اطلاعات غایت مطلوب است اما در ساختار حکمرانی شایسته، صداقت و راستگویی غایت مطلوب است و دسترسی به جریان اطلاعات یک وسیله برای تضمین بر صداقت مسئولان است و خود هدف نیست.
۴	مبارزه با فساد	استفاده از روش های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷)	استفاده از روش های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۷)	در هر دو نوع حکمرانی، مبارزه با فساد مطلوب است و باید با فساد مبارزه شود.	روش مبارزه با فساد در حکمرانی خوب، نظارت بیرونی از طریق ساختار نظارتی و بازرسی است که یک روش خوب است اما ضمانت اجرایی کمی دارد زیرا نمی توان دائماً و همزمان بر عملکرد همه افراد دولتی نظارت داشت ولی در حکمرانی شایسته، بحث حلال و حرام و نظارت خداوند مطرح می شود که ریشه فردی در عملکرد افراد دارد و خداوند در هر جا و هر لحظه ناظر بر اعمال و رفتار افراد است. پس یک سیستم نظارتی فوق العاده پیچیده و قوی بر عملکرد افراد نظارت دارد.
۵	کارایی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت های	استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی	هر دو بر استفاده بهینه از آنچه در	در حکمرانی خوب، ظرفیت های مادی برای نشان دادن اثربخشی مورد بررسی قرار می

		مادی به طور کامل	به طور کامل (حسینی تاش و واثق، ۱۳۹۳)	اختیار انسان است اشاره دارند و حداکثر سازی و جلوگیری از اتلاف منابع را مطلوب می دانند.	گیرد اما در حکمرانی شایسته، استفاده از ظرفیت های مادی و معنوی بطور کامل مطلوب است.
--	--	------------------	--------------------------------------	---	--

همانطور که مشخص شده است، هر یک از شاخص های حکمرانی خوب در زیر شاخه حکمرانی خوب از منظر غربی و حکمرانی شایسته، دارای تفاوت های ماهوی هستند.

در شکل زیر به بررسی دو نوع حکمرانی خوب و شایسته بر اساس عملکرد هر یک روی نمودار راداری پرداخته شده است.



شکل ۲. بررسی شاخص های حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته

همانطور که مشخص شده است، بیشترین افتراق بین دو نوع حکمرانی در پاسخگویی است. همچنین در مبارزه با فساد نیز بین دو نوع حکمرانی اختلاف عمده ای وجود دارد. اما در شفافیت و قانون گرایی اختلاف کمتری بین دو نوع حکمرانی وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به بررسی دو نوع حکمرانی خوب و شایسته بر اساس فرمایشات حضرت امیر در نهج البلاغه پرداخته شد. سعی شد بررسی صورت گرفته بر اساس شاخص های حکمرانی صورت گیرد تا یک بررسی مقایسه ای بین این دو نوع حکمرانی انجام شود. بر اساس نتایج بررسی صورت گرفته مشخص شد که تفاوت های عمده ای از نظر ماهوی بین دو نوع حکمرانی وجود دارد. از این نظر که اگرچه به ظاهر از نظر اسمی شاخص های هر دو حکمرانی مشترک است اما از نظر معنایی و وجودی، بین دو گروه از شاخص ها، تفاوت عمده ای وجود دارد. به منظور درک بهتر از تفاوت موجود، با استفاده از نمودار راداری تفاوت بین دو نوع حکمرانی روی نمودار شاخص ها نمایش داده شد.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاد می شود که به جای استفاده از ظاهر شاخص های غربی، عمق شاخص های موجود در متون اسلامی و فحوای دینی غنی موجود همچون قرآن، نهج البلاغه و سیره معصومین علیهم السلام، مورد استفاده قرار گیرد و نوع حکمرانی در کشور، به سمت حکمرانی شایسته پیش رود. بر همین اساس به دولتمردان کشور پیشنهاد می شود:

- تلاش برای فهم عمیق تر مفاهیم اسلامی و دینی و استفاده واقعی از شاخص های مطرح شده در این متون.

- یکی از مشکلات امروزی کشور، گرفتار ظواهر دینی و عدم بهره گیری از باطن آن است. آنچه به عنوان شاخص های اسلامی مطرح شده است، به هیچ وجه در نهج البلاغه مطرح نشده است. به عنوان مثال، نوع پوشش و لباس یا مواردی از این دست، شاخص حکمرانی نیست بلکه ترس از خدا و پاسخگویی به خدا و نگاه به پست دولتی به عنوان یک امانت و امتحان الهی است که می تواند موجب شکل گیری مفهوم حکمرانی شایسته شود. از همین رو پیشنهاد می شود که دولتمردان باطن حقیقی شاخص ها را فدای ظاهر غیرحقیقی آن نکنند.

- پیشنهاد می شود سیاستگذاری منسجمی برای توسعه سرمایه انسانی متناسب با شاخص های مطرح شده در نهج البلاغه ایجاد شکل گیرد تا سازمان های دولتی، سرمایه انسانی خود را که پایه پیاده سازی و بکارگیری سیاست هاست، همسو با شاخص های حکمرانی شایسته انتخاب نمایند.

- پیشنهاد می شود مسئولان اقدامات مربوط به شفافیت را ابتدا از اصلاح فعالیت های خود آغاز کنند و سپس جریان آزاد اطلاعات در مسیر درست خود قرار می گیرد. زیرا جریان اطلاعات آزاد و شفافیت از منظر حکمرانی شایسته، وسیله ای برای اصلاح اقدامات مسئولان است و خود هدف نیست.

منابع

نهج البلاغه

آرایی، وحید، ۱۳۸۸، حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی گزارش، ش ۶، ص ۴۹.

آهني، منا؛ جواد سياهكالي مرادي؛ سيدعلي ايازي و فرزانه خسرواني، ۱۳۹۷، بررسی ساختار و روابط بين شاخص های حکمراني خوب، دومين کنفرانس حکمراني و سياستگذاري عمومي، تهران، پژوهشکده سياستگذاري علم، فناوري و صنعت دانشگاه صنعتي شريف.

پور آقايي، سپيده، ۱۳۸۳، شاخص های حکمراني به روايت بانک جهاني، گزارش، ش ۱۵۴، ص ۶۲.
حسيني تاش، سيد علي و واثق، قادرعلي (۱۳۹۳). حکمراني خوب و ارائه حکمراني شايسته بررسی و شاخص های اين دو از ديدگاه اميرالمؤمنين علي(ع)، نشریه اسلام و پژوهش های مدیریتی سال سوم بهار و تابستان، ۲(۸)، ۱۸۰-۱۹۵.
حسين زاده بحريني، محمد حسين ۱۳۸۳، بررسی تطبيقي نظريه حکمراني خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علي عليه السلام، دفتر بررسی های اقتصادي، ص ۱۶.

حق پناه، رضا، فلسفه مندي حکومت از ديدگاه امام علي عليه السلام، پژوهش های اجتماعي اسلامي، ش ۲۶، ص ۱۹۲-۱۵۸.
دبيرخانه مجمع تشخيص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامي مجموعه مقالات سومين همایش ملي از سلسله همایش های تخصصي چشم انداز حاکميت و دولت شايسته در ايران ۱۴۰۴، تهران، دانشگاه آزاد اسلامي واحد شهرري، ص ۱۱۵.
رهنورد، فرج الله، مؤلفه ها و ابعاد مدیریت دولتي مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴، گزارش پژوهشي، تهران، مجمع تشخيص مصلحت، کميته نظام اداري و مدیریت، ۱۳۸۸.

ساعي، علي و کييري، افشار. (۱۳۹۱). تحليل تطبيقي کيفيت حکمراني: مطالعه بين کشوري با رويکرد فازی از سال ۲۰۰۸-۲۰۰۰، فصلنامه علوم/اجتماعي، شماره ۵۸، صص ۶۱-۶۵.
ساعي، علي؛ روشن، تينا. (۱۳۸۹). تحليل درك کيفيت حکمراني در ايران، نشریه مطالعات فرهنگي و ارتباطات، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۱۶۷-۱۸۵.

سالارزهي، حبيب اله و ابراهيم پور، حبيب. (۱۳۹۱). بررسی سير تحول در پاراداييم مدیریت دولتي، از پاراداييم مدیریت دولتي سنتي تا پاراداييم حکمراني خوب، فصلنامه مدیریت دولتي، دوره ۴، شماره ۹، صص ۴۳-۶۲.
سبحاني، جعفر، ۱۳۸۲، اصول سياست در سیره عملی امام علي عليه السلام، نهج البلاغه، ش ۷، ۲۵-۴۱، ص ۱۱۷.
سروش، محلاتي محمد، ۱۳۸۰، اهداف و آرمان های حکومت، قسبات، ش ۲۰ و ۲۱، ز ص ۴۸-۵۶.
سريع القلم، محمود. (۱۳۷۸). ثبات سياسي و توسعه سياسي، اطلاعات سياسي-اقتصادي، شماره ۱۴۵ و ۱۴۶، صص ۴-۱۱.
شاکري، محبوبه؛ جعفري صميمي، احمد؛ کريمي موعاري، زهرا. (۱۳۹۴). ارتباط بين متغيرهای نهادي و رشد اقتصادي: معرفي شاخص نهادي جديد برای منطقه خاورميانه و شمال آفريقا، فصلنامه علمی-پژوهشي پژوهش های رشد و توسعه اقتصادي، سال ششم، شماره ۲۱.

شريف زاده، فتاح، رحمت الله قلي پور، ۱۳۸۲، حکمراني خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ش ۴، ص ۴۸۵۶.
صوفي مجيدپور، مسعود، ۱۳۸۳، نظريه حکمراني خوب به منزله سياست توسعه، ماه علوم اجتماعي، ش ۸۷، ص ۱۱-۱۴.
عباس زادگان، محمد. (۱۳۸۰). مدیریت بر سازمان های نا آرام، تهران، انتشارات امير کبير، چاپ دوم.

- کیمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲، صص ۱-۵.
- محدثی، جواد، ۱۳۷۹، حکومت علوی از نگاه امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۸، صص ۲۷۹-۲۶۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، کاوش‌ها و چالش‌ها، تحقیق و نگارش، محمد مهدی نادری و سید ابراهیم حسینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ص ۸۷.
- میدری، احمد، جعفر خیر خواهان، ۱۳۸۳، حکمرانی خوب بنیان توسعه، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی.
- نادری، محمد مهدی، ۱۳۹۰، حکمرانی خوب معرفی و نقدی اجمالی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱، صص ۶۹-۹۳.
- ناظمی اردکانی، محمد، ۱۳۸۷، حکمرانی خوب بارویکرد اسلامی، علوم انسانی، سال هفدهم، ش ۷۶، صص ۱۰۷-۱۲۸.
- هانتینگتون، ساموئل. (۱۳۷۵). درک توسعه سیاسی، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی؛ معمارزاده طهران، غلامرضا. (۱۳۹۵). اولویت‌بندی شاخص‌های حکمرانی خوب در سازمان‌های کار، نشریه رسالت مدیریت دولتی، دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۱-۹.
- Ake, Claude. (1974). Modernization and Political Instability, *World Politics*, V. 26, N. 4.
- Börzel, T. A., & Grimm, S. (2018). Building Good (Enough) Governance in Postconflict Societies & Areas of Limited Statehood: The European Union & the Western Balkans. *Daedalus*, 147(1), 116-127.
- Grindle, M. S. (2017). Good governance, RIP: A critique and an alternative. *Governance*, 30(1), 17-22.
- Hurwitz, Leon. (1973). Contemporary Approaches to Political Stability, *Comparative Politics*, V. 5, N. 3.
- Huther, J., & Shah, A. (2000). Anti-corruption Programs and Policies: A Framework for Evaluation. *World Bank Policy Research Working Paper Series*, (2501).
- Kaufman. D., Kraay, A, and Mastruzzi, M. (2009). *Governance Matter IV: Governance Indicator for 1996-2009*.
- Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo. (2002). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01. World Bank Policy Research Working Paper, (2772).
- Kaufmann, Daniel; Kraay, Aart. (2017). World Bank: The Worldwide Governance Indicators (WGI), 1996–2016.
- Kufmann , D., Kraay, A & Mastruzzi, M. (2010). *The Worldwide Governance Indicators Methodology and Analytical Issus*, The world bank, Development Research Group, pp 1-28.
- Kufmann, Daniel and Kraay, Aart, (2002). *Governance Without Governance*, World Bank Policy Research Working Paper, No. 2928.
- Leftwich, A. (1993). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly*, 14(3), 605-624.

- Lustick, I. (1979). Stability in deeply divided societies: consociationalism versus control. *World Politics*, 31(3), 325-344.
- Needler, M. C. (1968). Political development and socioeconomic development: the case of Latin America. *American Political Science Review*, 62(3), 889-897.
- OECD, (2002). Governance for Sustainable Development: Five OECD Case Studies. OECD publication.
- Patomäki, H. (1999). Good governance of the world economy?. *Alternatives*, 24(1), 119-142.
- Rajkumar, A & Swaroop, V. (2007). Public Spending and Outcomes: Does governance matter, *Journal of Development Economics*, Vol 86 , 2007, PP 96-111.
- Rindermann, H., Kodila-Tedika, O & Christainsen, G. (2015). Cognitive Capital, Good Governance, and the Wealth of Nations, *Original Research Article Intelligence*, Vol 51, July–August 2015, PP 98-108.
- Rotberg, R. I. (2014). Good governance means performance and results. *Governance*, 27(3), 511-518.
- The World Bank Group. (2017). World Bank: The Worldwide Governance Indicators (WGI) Project, 1996–2016. <http://info.worldbank.org>.
- UN ESCAP. (2009). What is Good Governance, Online at <http://www.unescap.org/resources/what-good-governance>
- UNDP, (2000). What is good Governance, at PAPP List of projects contact us, online at <http://www.Papp.Undp.Org.governance/about.HTM>.
- UNDP, Governance for Sustainable Human Development, (1997). A UNDP policy paper.
- Weiss, T., G. (2000). *Governance. Good Governance and Global Governance, Conceptual and Actual Challenges. Third World Quarterly* 21(5), 795-815.
- Woods, N. (2000). The challenge of good governance for the IMF and the World Bank themselves. *World development*, 28(5), 823-841.
- World Bank Report. (2018). Helping Countries Combat Corruption: The Role of the World Bank, Poverty Reduction and Economic Management Network, Washington DC.
- World Bank. (2018). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth.